نویسنده: مارتین ژاک

۲۰۲۱/۰۹/۱۴

ارسالی : زلمی ، کارگر

آمریکا در حال افول!

از دیدگاه تاریخی، واکنش آمریکا به حملات ۱۱ سپتامبر به برج های دوگانگی نیویورک بطور خارق العاده ای نامتناسب بنظر می آید. با وجود عم انگیز بودن آن، تعداد کشته شدگان ۲۹۷۷ نفر به سختی در مقیاس ریشتر در درگیری های نظامی و اقدامات تروریستی ثبت می شود. اگر چنین اتفاقی برای برج های دوگانگی فوق العاده کوالالامپور افتاده بود، شاید یکی دو روز در صفحات اول روزنامه های غربی قرار می گرفت و سپس فراموش می شد. اما ۱۱ سپتامبر در آمریکا اتفاق افتاد.

ایالات متحده در طول تاریخ هرگز تهاجمی را تجربه نکرده بود. بسیاری از جنگهایی که این کشور انجام داده بطور گسترده در سرزمینهای دور بوده است. با این حال، این اتفاق در قلمرو آمریکا، در نیویورک رخ داد. انتقام اجتناب ناپذیر بود عموم مردم آمریکا خواستار مجازات تروریست ها شدند. این واقعیت که گروهی از تروریست ها مسئول بوده اند، با توجه به اعتراض عمومی، انتقام گیری متناسب را غیرقابل قبول کرده است. در چنین برهه ای آمریکا از هیچ محدودیتی برخوردار نبود.

مطمئناً این محدودیت در ذهن دولت بوش قرار نداشت. آمریکا تنها ابرقدرت بود.

از زمان پایان جنگ سرد، آمریکا تنها ابر قدرتی بود که بعنوان پلیس جهانی پا بعرصه وجود گذاشته بود. بهمین دلیل باید به جهان نشان می داد که رئیس و فرمانده است و نمی توان با آمریکا درافتاد. در این میان تناسبی در نظر گرفته نشده بود. دولت نومحافظه کار معتقد بود که قرن جدید قرار است قرن آمریکایی باشد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رقیبی در میان نبود. این عصر در واقع یک عصیان آمریکایی نیز بود که در آن هر چیزی امکان پذیر بود.

بطوریکه هیچ محدودیتی برای آنچه آمریکا توانست انجام دهد وجود نداشت. به ندرت یک دولت به چنین محاسبه اشتباه آمیز و فاجعه باری روی آورده است. در چنین برهه ای دولت بوش دو تصمیم سرنوشت ساز اتخاذ کرد: حمله به افغانستان به گونه ای که دیگر نتواند محل رشد تروریسم باشد. و حمله به عراق، سرنگونی صدام حسین و تبدیل این کشور به دموکراسی به سبک غربی. گروه اول دست کم رابطه ای با ۱۱ سپتامبر داشت، زیرا القاعده در آنجا مستقر بود. عراق هیچ ارتباطی با ۱۱ سپتامبر نداشت. در چنین حالتی ایالات متحده از فرصت ارائه شده توسط ۱۱ سپتامبر برای بازسازی خاورمیانه استفاده کرد.

این دو جنگ برای آمریکا از نظر از دست دادن جان و هزینه مالی بسیار گران تمام شد. جنگ عراق بین ۲ تا ۳ تریلیون دلار هزینه داشته و تعداد کشته ها بیش از ۴۰۰۰۰۰ نفر بوده است. هزینه جنگ افغانستان ۳.۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

تریلیون دلار برآورد شده است. ارقام موثقی برای کشته شدگان در جنگ افغانستان در دست نیست ، اما بدون شک بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر بوده و احتمال زیاد دارد که بسیار بیشتر از آن باشد. درباره پروژه هزینه های جنگ دانشگاه براون تخمین می زند که جنگ آمریکا علیه تروریسم بیش از ۸ تریلیون دلار هزینه داشته و منجر به کشته شدن ۹۰۰۰۰۰ نفر شده است. این پرسش مطرح می گردد که این همه کشتار و هزینه چه نتیجه ای را برای امریکا در برداشته است؟

هر دو جنگ با شکست فاجعه بار و عظیم به پایان رسید. پس از ۲۰ سال، طولانی ترین جنگ در تاریخ آمریکا، جنگ افغانستان باعث تحقیر آمریکا و یادآور عقب نشینی وی از ویتنام در ۱۹۷۵ بود. براستی ایالات متحده به غیر از کشتن صدام حسین، به هیچ یک از اهداف خود در عراق دست پیدا نکرد.

رسوائی و شکست آمریکا ناشی از نادرست خواندن کامل جهان در آغاز قرن بیست و یکم می باشد. آمریکا معتقد بود که جهان تک قطبی است در حالی که در واقع به طور فزاینده ای در حال چند قطبی شدن می شد. آمریکا تصور می کرد که اکنون جهان را در اختیار خود دارد. در حالیکه کاملاً روشن و واضح است که چین در حال ظهور به عنوان یک بازیگر اصلی در صفحه جهانی است. این امر فوق العاده یکی از برجسته ترین رویدادهائی است که نه تنها از هنگام پایان جنگ جهانی دوم بلکه در دو قرن گذشته بوقوع پیوسته است.

آمریکا بالاخره به این نتیجه رسیده است که قدرتش بی نهایت و بی انتها نیست و نمی تواند هر کاری را که بخواهد انجام دهد، و با محدودیت های بسیاری برای آنچه می تواند به دست آورد مواجه است. و هزینه هنگفتی را از نظر جان و دلار و نحوه برخورد با آن در جهان پرداخته است. ۱۱ سپتامبر و پیامدهای فوری آن ظرفیت آمریکا را مشخص کرد و نشان داد که درگیر شدن سرخود و بی مهابا در طی دو دهه گذشته منجر به افول سریعش شده است. این افول در حال حاضر کمابیش در سطح جهانی و حتی در ایالات متحده بخوبی مورد توجه قرار گرفته است، اگر چه در سال ۲۰۰۱ ذکر این کلمه به عنوان سخنی پوچ و بی محتوی رد می شد.

۱۱ سپتامبر و ۲۰ سال پس از آن، یک نمونه از درسی از شکست و افول مزمن حکومت آمریکا است. درک جهان، پیش نیاز اساسی هر ابرقدرتی بود. در حالیکه، حتی وقتی مشخص شد که جنگ ها به شکست می انجامند، روسای جمهور پی در پی - بوش، اوباما و ترامپ - نتوانستند شجاعت لازم را برای پذیرش خطای بزرگ و خروج از بحران را پیدا کنند. براستی بیست سال زمان فوق العاده زیادی برای آموختن چنین درسی است.

در اینجا عامل دیگری نیز نقش دارد. در بهترین دوره از دو قرن گذشته، آمریکایی ها معتقد بودند که رتبه یک در جهان بخشی از DNAکشور است. به اعتقاد بایدن، پذیرفتن شکست برای مردمش چندان خوشایند نبود. آمریکا اسیر گذشته ای است که در حال عقب نشینی و افول سریع است. دیگر استثنایی نیست و در حال تبدیل شدن به یک کشور معمولی است. اما زمان زیادی طول می کشد تا آمریکا یاد بگیرد که این واقعیت را بپذیرد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ